

# الرحلة الشيرازية

## آیت الله العظمی مرعشی نجفی

تصحیح و تعلیق علی رفیعی علامرودشتی

### پیشگفتار

جهانگردی، سفر، سیر و سیاحت، واژه‌هایی آشنا، زیبا و دل‌انگیز است که در تاریخ بشری، پیشینه‌ای بس دراز دارد، و از ستهای پسندیده و دستاوردهای نیکو و ارزشمند انسانی است.

اسلام و پیشوای بزرگ آن و رهبران و اولیای الهی و عالمان و فرزندگان جهان اسلام نیز به این سنت پسندیده و ارزشمند، بهای فراوان داده‌اند و برانجام آن پای فشرده‌اند. در قرآن، که اساس و پایه زندگی مادی و معنوی مسلمانان و آزاداندیشان است، آیات بسیاری وجود دارد که خداوند در آنها فرمان سیر و سفر و گردش در آفاق و سیاحت و جهانگردی را صادر کرده است. این آیات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

**الف) آیاتی که در آنها خداوند متعال مردم را سرزنش می‌کند و می‌پرسد که چرا در زمین و در میان امتهای دیگر گردش نکرده‌اند تا حوادث و وقایع پیشینیان را مشاهده کنند؛** مانند آیات ۱۰۹ یوسف، ۴۶ حج، ۹ روم، ۴۴ فاطر، ۲۱ و ۸۲ غافر، ۱۰ محمد.

**ب) آیاتی که در آنها به سیر و سفر و جهانگردی امر شده، و خداوند بزرگ، به صراحت، از مردم می‌خواهد که به جهانگردی پرداخته و آیات و نشانه‌های الهی را به چشم ببینند، و در احوال،**

آثار و ستهای دیگر امم به خوبی دقت کنند و اندیشه و خرد خویش را با مشاهده آنها به کار بیندازند؛ مانند آیات ۱۳۷ آل عمران، ۱۱ انعام، ۳۶ نحل، ۶۹ نمل، ۲۰ عنکبوت، ۴۲ روم. در روایات و احادیث نیز این سنت حسنه تأیید شده است، و روایات فراوانی در این باره وجود دارد؛ تا آن جا که در منابع حدیثی، بابی با عنوان «آداب السفر» باز کرده‌اند و تمامی مسائل و موضوعات و آداب و سنن مسافرت و جهانگردی را در آن شرح داده‌اند. از آن میان، به حدیثی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ بسنده می‌کنیم: «سافروا تصحّوا، سافروا تغنموا»؛ مسافرت کنید، تا تندرستی پیدا کنید؛ مسافرت کنید، تا غنیمت بگیرید.<sup>۱</sup> در یک رباعی منسوب به حضرت علی عليه السلام، پنج فایده مهم سیر و سفر به خوبی بیان شده است:

تغرّب عن الاوطان فی طلب العلی  
فسافر ففی الاسفار خمس فوائد  
تفرّج همّ و اکتساب معیشة  
و علم و آداب و صحبة مساجد

حضرت می‌فرماید: در جست‌وجوی مقام بلند، از میهن و دیار خویش به دیار غربت برو. پس سفر را پیش گیر، زیرا در مسافرت کردن پنج فایده است: برطرف شدن اندوه، کسب معیشت، فراگیری دانش، آموختن آداب و رسوم، مصاحبت

۱. المحاسن برقی، ص ۳۴۵؛ بحار الانوار، ۷۳/۲۲۱ - ۳۰۴.

رحله خوارزمیه جزئی از تاریخ علم است که در روز بیستم اردیبهشت ۱۳۵۱ هجری قمری در شهر تبریز در روزنامه بصیرت  
 در ثلاثین مجلد شرح و تفسیر و کتابت کتاب الاسطرلابیه یا محلول الذهب المشرقیه در نظر صحیفه و کتابت صحیفه اسطرلابیه و  
 کتابت کتابت المجلد اسطرلابیه کبریة فی قرطاس علی خط مواد القطن و در رسم المشرقیة و الموریه  
 و محققان و غیره و آن علی خط اسطرلابیه و در روزنامه بصیرت در روز بیستم اردیبهشت ۱۳۵۱ هجری قمری  
 سلطنت اسطفا الاعظم مالک رقاب ملوک العالم منظر کلمه العلیا جلال الحق و هیط و الانیا و الذمیر الشیخ ابو  
 اسحق خلدونی سلطنت و اعلی شأنه محی الحالی الصوفی علی العنقه فی ست و اربعین و ستاره مدار الملک شمس  
 و علی ظهر اکتذا وقت نهج و مع سائر اجزاء الملائم من کلام الحمید علی شهید العظمی الامام الاعظم العاصم  
 السعد شهید احمد بن موسی الرضا سلام الله علیه الخاتون الاعظمی سلطنت خواتین الدوران ملکه حمله  
 سلیمان تاشی خاتون دامت عصمتها و قفا صحیحی مریداً فملاً تقبلاً من یارب العالمین انهم ۱۲

جهانگردان و سیاحان فراوانی از آغاز تاریخ بشری، تا پیش از ظهور اسلام، در جهان بوده‌اند و سفرنامه‌های گوناگونی نوشته‌اند، اما در روزگار اسلامی، با جهانگردان و سیاحان نامداری برمی‌خوریم که در طی جهانگردی خویش، سفرنامه‌هایی ارزشمند تهیه کرده‌اند، که مشاهیر آنان عبارت‌اند از: ابوریحان بیرونی (۳۲۶ - ۴۴۰ ق / ۹۳۸ - ۱۰۴۸ م) که به هند سفر کرد و تحقیق مالهند را تألیف کرد، که گاهی تاریخ هند نیز نامیده می‌شود؛ ابن جبیر (۵۴۰ - ۶۱۴ ق / ۱۱۴۵ - ۱۲۱۷ م)، که از اندلس به شرق الاوسط سفر کرد، و حاصل این سفر کتابی است به نام الرحلة؛ یاقوت حموی (۵۷۵ - ۶۲۶ ق / ۱۱۷۹ - ۱۲۲۹ م)، که از روم تا مرو را زیر پا گذاشت و کتابی ارزشمند به نام معجم البلدان را نوشت؛ ابن بطوطه (۷۰۳ - ۷۷۷ ق / ۱۳۰۳ - ۱۳۷۵ م)، که از طنجه تا چین را درنوردید و نتیجه این سفر کتابی به نام الرحلة بود؛ ابن خلدون (۷۳۲ - ۸۰۸ ق / ۱۳۳۲ - ۱۴۰۵ م)، که از اندلس تا سمرقند را طی کرد و نتیجه کار او تاریخی بزرگ و ارزشمند به نام العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی ایام العرب والعجم والبربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر بود، که به اختصار تاریخ ابن خلدون خوانده می‌شود؛ به ویژه مقدمه آن، از نظر شناخت عقاید، افکار، علوم، اختراعات، آداب و سنن و ملت‌هایی که دیده است، در نوع خود بسیار مهم و نخستین کار در موضوع جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی است.

وانس گرفتن با بزرگان و دانشوران. بنا بر آنچه گفته آمد، اسلام و پیشوایان الهی، تأکید فراوانی داشته‌اند که مردم، به ویژه مسلمانان، برای آشنایی با سنت‌های الهی و دیدن آثار و آداب و شناخت احوال امتهای دیگر به سیر و سفر پردازند، و بدین وسیله، در گسترش اندیشه و توان فکری و نگرش خود درباره هستی بکوشند. از این رو، مسلمانان، از صدر اسلام، به سفارش و توصیه اسلام و قرآن عمل کرده‌اند، و حاصل مشاهدات خویش را در کتابها و مجموعه‌هایی برای ما به یادگار گذاشته‌اند. این کتابها و مجموعه‌ها، تأثیر فراوان و بزرگی در پیشرفت افکار و اندیشه‌های امتهای داشته است، و با آمیخته شدن فرهنگهای گوناگون، راه برای تلطیف عواطف و احساسات بشری هموار شده است. کتابهایی که به دست رحالان، سیاحان و جهانگردان نوشته شده، به دو بخش تقسیم می‌گردد: بخشی از آنها «المسالک و الممالک» نام دارند و در جغرافیاست؛ بخش دیگر، کتابهایی است که عنوان «الرحلة» دارند. رجه‌ها (سفرنامه‌ها) به دلیل اشتغال بر مسائل جزئی و قضایای شخصی، از نظر فایده برای عموم مردم، بر کتابهای «المسالک و الممالک» برتری دارند، زیرا مردم را با عقاید و اندیشه‌های ملت‌ها و آداب و رسوم و سنت‌های آنان آشنا می‌سازند، و آنها تفاوت‌های فرهنگ بیگانه و خودی را درمی‌یابند.

مرعشی شهرستانی (متوفی ۱۳۱۵ ق / ۱۸۹۷ م).

۴. سفرنامه شیراز، از میرزا فضل‌الله بن داوود بن حاج قاضی سودخروی (متوفی ۱۳۴۳ ق / ۱۹۲۴ م)، که در آخر کتاب مطلع الشموس از آن یاد شده است.

شمارش یکایک رحله‌ها و سفرنامه‌ها سخن را به درازا می‌کشاند. از این رو، از آنها درمی‌گذریم. گفتنی است که بسیاری از سفرنامه‌ها به نام «الرحله» یا «سفرنامه» نیستند، و دارای اسامی خاص هستند.

آیت‌الله‌العظمیٰ سید شهاب‌الدین حسینی مرعشی نجفی رحمته‌الله (۱۳۱۵ - ۱۴۱۱ ق / ۱۸۹۷ - ۱۹۹۰ م) یکی از پرکارترین مراجع تقلید شیعه، از نظر تألیف و تصنیف، در عصر حاضر است. ایشان در طول دوران زندگی پربار خویش، ۱۴۸ عنوان کتاب و اثر در رشته‌هایی چون: علوم قرآنی، ادبیات، حدیث، ادعیه و زیارات، فقه، اصول فقه، منطق، لغت، تاریخ، رجال، تراجم، انساب، اجازات، هیئت، علوم غریبه، فهرست و کلام تألیف کرده است.

در این میان، چهار سفرنامه از ایشان به یادگار مانده است: الرحلة الآذربایجانية؛ الرحلة الاصفهانية؛ الرحلة الخراسانية؛ الرحلة الشيرازية.<sup>۴</sup>

ایشان در این سفرنامه‌ها، مطالبی متنوع و گوناگون دربارهٔ علما و بزرگان، آداب و رسوم، مساجد، مزارات، مراقد، کتابشناسی، نوادر و حکایات مطرح ساخته است.

الرحلة الشيرازية را ایشان در سال ۱۳۵۱ ق / ۱۹۳۲ م، دربارهٔ سفر خود به شیراز و بازدید از مساجد، مزارات و مراقد آن به رشتهٔ تحریر درآورده است.

امید که در آینده‌ای نزدیک، دیگر سفرنامه‌های ایشان تحقیق شود، و در اختیار همگان قرار بگیرد.

### الرحلة الشيرازية

فرت اليوم الرابع عشر من شهر ربيع الاول ۱۳۵۱، بصحن السيد

۱. کشف الظنون، ۱/۱۳۰ - ۱۳۲؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الخامس)، ص ۱۷۷.
۲. الذريعة، ۱۰/۱۶۵ - ۱۷۱.
۳. همان، ۱۲/۱۸۵ - ۱۹۱.
۴. شهاب شریعت، ص ۲۲۰ - ۲۳۲.

غیر از این مشاهیر، گروه دیگری از عالمان و فرزندگان جهان اسلام نیز بوده‌اند که تا پیش از سدهٔ دهم هجری اقدام به جهانگردی کرده‌اند، که برخی از آنها عبارت‌اند از: کراجکی (متوفی ۴۴۹ ق / ۱۰۵۷ م)؛ ابوالقاسم تجیبی (متوفی ۴۹۳ ق / ۱۱۰۰ م)؛ ابن رشید (متوفی ۷۲۱ ق / ۱۳۲۱ م)؛ سیوطی (متوفی ۹۱۱ ق / ۱۵۰۵ م).<sup>۱</sup>

پس از سدهٔ دهم هجری، چون تعداد رحلان و سیاحان و جهانگردان زیاد شد، سفرنامه‌ها و رحله‌ها نیز به صورتی گسترده رو به فزونی گذاشت، که در این جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. الرحلة، از شیخ محمد بن علی بن محمد الحرّ عاملی (متوفی ۱۰۸۱ ق / ۱۶۷۰ م)، عموی صاحب الوسائل.
۲. الرحلة المکیة، از سید علیخان صغیر (زندهٔ ۱۱۱۴ ق / ۱۷۰۲ م)، نوهٔ سید علیخان کبیر.
۳. الرحلة الخراسانية، از سید احمد بن حبیب بن احمد زوین نجفی (متوفی بعد از ۱۲۶۷ ق / ۱۸۵۱ م).
۴. الرحلة الحجازية الاولى والثاني والثالث، از سید محسن امین عاملی (متوفی ۱۳۷۱ ق / ۱۹۵۲ م)، صاحب کتاب اعیان الشيعة.<sup>۲</sup>

سفرنامه‌ها نیز فراوان است، و آقا بزرگ به بسیاری از آنها اشاره کرده است.<sup>۳</sup> برخی از مشاهیر آنها عبارت‌اند از:

۱. سفرنامه یا سیاحتنامه، از ناصر خسرو علوی مروزی (متوفی ۴۵۰ ق / ۱۰۵۸ م)، که سوانح سفر هفت‌سالهٔ خود به ایران، شام، مصر و حجاز را شرح داده است.
۲. سفرنامهٔ بیت‌الله، از میرزا علیخان اعتماد السلطنه (متوفی ۱۲۸۵ ق / ۱۸۶۸ م).
۳. سفرنامهٔ حجاز، از میرزا محمدحسین بن میرزا محمدعلی

الشیعة، ص ۸۵؛ مقالات الاسلامیین اشعری، ۱۰۱/۱؛ المقالات والفرق، ص ۹۳، ۲۴۰؛ مناقب ابن شهر آشوب، ۳۲۴/۴؛ لباب الانساب ابن قنفذ بیهقی، ۴۱/۲؛ الاصلی، ص ۱۵۲؛ عمدة الطالب، ص ۱۹۷؛ شد الازار، ص ۲۸۹؛ تاریخ گزیده، ص ۲۰۴؛ نزہة القلوب، ص ۱۱۶؛ بحار الانوار، ۲۸۷/۴۸؛ ریاض العلماء، ۳۰۵/۳؛ کشف الغمّة، ۲۶/۳؛ مطالب السنول، ۶۵/۲؛ جامع الزّواة، ۷۲/۱؛ منتهی المقال، ۳۵۵/۱؛ نقد الرجال، ۱۷۵/۱؛ آثار عجم، ۴۴۴/۲؛ فارسنامه ناصری، ۱۵۴/۲؛ روّضات الجنات، ۴۲/۱؛ معجم رجال الحدیث، ۳۴۵/۲؛ منتخب التّواریخ، ص ۷۶۳؛ منتهی الآمال، ۲۵۸/۲؛ ریحانة الادب، ۱۶۸/۳؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۱۸۱، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۴، ۳۷۷، ۵۰۵.

۲. امیر جمال الدین، شیخ ابواسحاق اینجو (۷۲۱ - ۷۵۸ ق / ۱۳۲۱ - ۱۳۵۷ م)، آخرین پادشاه سلسله اینجو در خطه های فارس، اصفهان و کرمان، و یکی از ممدوحان حافظ شیرازی است: لبّ التّواریخ قزوینی، ص ۲۶۳ - ۲۶۴؛ شدّ الازار جنید شیرازی، ص ۲۰۸، ۴۵۰؛ ذیل جامع التّواریخ حافظ ابرو، ص ۲۱۴ - ۲۱۵؛ مجمع الانساب شبانکاره ای، ص ۳۱۵؛ شیرازنامه، زرکوب شیرازی، ص ۱۱۲ - ۱۱۵؛ مجمل فصیحی، ۷۰/۳؛ تاریخ آل مظفر کتبی، ص ۱۴ - ۱۵، ۲۲ - ۲۳؛ منتخب التّواریخ نظنزی، ص ۱۷۰ - ۱۷۱؛ مطلع سعدین و مجمع بحرین سمرقندی، ۱۶۵/۱ - ۱۶۷؛ مواهب الهی یزدی، ص ۹۳ - ۹۹، ۱۴۴ - ۱۴۶؛ تاریخ آل جلایر شیرین بیانی، ص ۱۷ - ۱۸؛ روضة الصفا، ۴۵۵/۴ - ۴۵۷، ۴۶۴ - ۴۷۲، ۴۸۴ - ۵۰۰، ۵۰۲، ۵۱۷، ۵۳۱؛ فارسنامه ناصری، ۷۸/۱، ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۰۹، ۳۱۲ به بعد؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.

۳. تاش خاتون یا تاشی خاتون (متوفی ۷۵۰ ق / ۱۳۴۹ م)، همسر محمود، پادشاه اینجو، و مادر شیخ ابواسحاق اینجو، که زنی فهمیده و قدرتمند بود و در امور سیاسی نیز دخالت داشت: شدّ الازار، ص ۲۹۰ - ۲۹۱؛ تذکرة هزار مزار، ص ۳۲۵ - ۳۳۷؛ آثار عجم، ص ۴۴۵ - ۴۴۸؛ ریاحین الشریعة، ۹۶/۴؛ فارسنامه ناصری، ۱۱۸۶/۲ - ۱۵۶۵؛ دائرة المعارف فارسی مصاحب، ۶۰۰/۱؛ دائرة المعارف تشیع، ۴۹/۴؛ مقدمه فهرست کتابهای خطی کتابخانه شاه چراغ، ۱/ الف - ب؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.

۴. سید جلال الدین محمد بن میرزا ابوالقاسم بن محمد نبی حسینی شریفی شیرازی، ملقب به «مجد الاشراف» (متوفی ۱۳۳۰ ق / ۱۹۱۲ م) عالم عارف و از بزرگان سلسله ذهبیه و تولیت آستانه شاه چراغ، که دارای آثاری از این دست است: آیات الولاية، تام الحکمة، تباشیر الحکمة، ترجمه تفسیر العسکری علیّه السلام، السبع المثانی، معالم التأویل و التبیان فی شرح اسرار خطبة البیان: ریحانة الادب، ۱۸۴/۵ - ۱۸۵؛ اعیان الشیعة، ۴۱۶/۲؛ آثار عجم، ص ۴۴۸؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۴۷۳، ۵۱۰؛ الذریعة، ۴۲۳/۲ - ۳۰۰/۳ - ۴۸۰؛ ۲۷۵/۵؛ ۱۹۱/۸؛ ۳۴۶/۹؛ ۹۶۰ و مجلدات دیگر.

الورع الکریم، احمد<sup>۱</sup> بن موسی علیّه السلام، بزیارة مصحف فی ثلاثین مجلد؛ کل جزء فی مجلد و كانت کتابة الاسطر الشریفة بالمحلول الذهبی الاشرافی؛ کل صحیفة ذات خمسة اسطر غلاظ و كانت المجلدات رحلیة کبیرة فی قرطاس غلیظ مواده القطن و الابریسم الرشتی و النورة و تفحصت الجزء العاشر و کان علی او اخرها مکتوبة هكذا: «کتبه الفقیر، فی ایام سلطنة السلطان الاعظم، مالک رقاب ملوک العالم، مظهر کلمة العلیا، جمال الحق و الدنیا و الدین، الشیخ ابواسحاق<sup>۲</sup> - خلدالله سلطته و أعلا شأنه - یحیی الجمالی الصوفی - عفی الله عنه - فی ست و اربعین و ستمأة، بدار الملک شیراز».

و علی ظهرها هكذا: «وقفت هذا الجزء مع سائر اجزاء الثلاثین، من کلام الله المجید، علی الشهد المعظم الامام الاعظم، المعصوم السعید الشهد، احمد بن موسی الرضا - سلام الله علیه - الخاتون الاعظمة، سلطان خواتین الدوران، ملکه مملکه سلیمان، تاشی خاتون<sup>۳</sup> - دامت عصمتها - وقفاً صحیحاً مؤبداً مخلداً، تقبل الله منها یا رب العالمین» انتهى. و حدثنی رجل من بیت مجد الاشراف<sup>۴</sup> المتولی لروضة احمد بن موسی علیّه السلام أنّ تاشی الواقفة من اولاد عضد الدولة. والله اعلم. و حدثنی آخر، أنّ تاش خاتون هذه المدفونة بخارج

۱. حضرت احمد بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی السجّاد بن الحسن السبط بن الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیّه السلام، ملقب به «سید السادات»، معروف به «شاه چراغ»، کریم، پارسا، شجاع، جلیل القدر و از موثق ترین فرزندان امام کاظم علیّه السلام پس از حضرت امام رضا علیّه السلام.

امام موسی علیّه السلام او را بسیار دوست داشت و بر دیگران مقدم می داشت، و املاکی که معروف به «یسیره» بود، به وی بخشید. از جمله فضایل و مناقبش آن است که هزار غلام و کنیز را در راه خدا خرید و آزاد کرد و هزار مصحف کریم را به خط خود کتابت کرد.

شاه چراغ پس از رفتن امام رضا علیّه السلام به خراسان، با گروهی از بنی هاشم و برادران خود از مدینه حرکت کرد و به سوی خراسان رهسپار شد، تا برادرش را زیارت کند، اما چون به شیراز رسید و از شهادت برادرش به دست مأمون باخبر شد، اراده کرد که به خراسان برود، ولی حاکم مأمون در شیراز، از این سفر ممانعت کرد، و کار به جنگ میان حاکم شیراز و شاه چراغ انجامید. در نهایت، شاه چراغ و گروهی از همراهانش به دست سپاهیان حاکم شیراز شهید شدند و در همان جا به خاک سپرده شدند. مرقد مطهر وی اکنون زیارتگاه عاشقان اهل بیت علیّه السلام است: ارشاد مفید، ۲۴۴/۲ - ۲۴۵؛ فرق

شیراز، المعروفة بـ «خاتون»، اخت مولانا الرضا عليه السلام. انتهى.  
و على ظهر تلك الاجزاء القرآنية، هذه العبارة: «مقرب  
الحاقان حاج قوام الملك شیرازی<sup>۱</sup>، به تاریخ شهر شوال  
۱۲۷۳، موفق گردید به تعمیر این اجزاء کلام‌الله». انتهى.  
و حدثني رجل أن هذا القرآن، قوم بثلاثين ألف تومان  
و انت خبير بما في العبارة المنقولة عن ظهرها و آخرها من  
السقم و الاختلال.

و في ليلة الثلاثاء، لاربع بقين من شهر ع ۱ [ربيع الاول]، من  
تلك السنة، فزنا بزيارة مصحف ينسب الى علي عليه السلام و أنه خطه  
الشريف و هو مقدار من القرآن و جزء منه و بقية اجزائه مشتته:  
شيء منها بمشهد الرضا عليه السلام و شيء منها باصبهان و في آخره  
كتبه: «علي بن ابو [كذا في المتن] طالب» و كانت النسخة بالقلم  
الكوفي، كل صحيفة سبعة اسطر غلاظ على جلد. قيل أنه جلد  
الضبي و لكن العبد، جزم بأن النسبة خطأ و أن الخط يقرب من  
خطوط سنة اربعمأة و ثلاثمأة من الهجرة و كان المصحف  
الشريف في صندوق خاتمي، صنع بأمر معتمدالدولة فرهاد  
ميرزا<sup>۲</sup> و عليها هذه العبارة: «ابن جعبة خاتم را وقف نموده بر  
كلام‌الله معروف به خط مبارك اميرالمؤمنين علي بن ابى طالب  
- صلوات‌الله عليه - نواب کامياب اميرزاده و الاتبار، نائب  
الايالة عبدالعلي ميرزا<sup>۳</sup> - و فقه‌الله تعالى - ولد ارجمند  
شاهزاده جليل نبيل، فرمانفرمای مملکت فارس، الحاج  
معتمدالدوله، فرهاد ميرزا - دامت شوکتہ - في شهر ذى القعدة  
الحرام سنة ۱۲۹۴». انتهى.

و كان القرآن الشريف بمقبرة مجد الاشرف الميرزا  
جلال‌الدين الحسيني.

و في يوم الثامن و العشرين من ع ۱، من السنة المزبورة فزنا  
بزيارة السيد الاجل علاء‌الدين الحسين<sup>۴</sup> و يعرف بـ «آستانه»  
عند اهل شیراز، و كان له صحنان: كبير و صغير و رواق و في  
صحنه الصغير قبور قديمة؛ منها: قبر الامير محمد بن محمد بن  
الامير محمد اسماعيل<sup>۵</sup> و وفاته ۱۱۹۸ [ق] و هو من اعظام  
علماء عصره.

و كان في رواقه قبر صدر العرفا الميرزا علي بن الحاج

۱. حاج ميرزا علي اكبر قوام الملك، پسر چهارم حاج ابراهيم خان  
شیرازی (۱۲۰۳ - ۱۲۸۲ ق / ۱۷۸۸ - ۱۸۶۵ م) است. او چند سال

- توليت آستان قدس رضوى را به عهده داشت: فارسنامه ناصرى،  
۲۵۴/۱، ۷۴۷، ۷۵۴، ۷۵۷ به بعد؛ تاريخ منتظم ناصرى، ۲۸۲/۳؛  
شرح حال رجال ايران، ۴۳۳/۲ - ۴۳۴.
۲. حاج فرهاد ميرزا معتمدالدوله، فرزند عباس ميرزا نايب السلطنة  
(۱۲۳۳ - ۱۳۰۵ ق / ۱۸۱۸ - ۱۸۸۸ م) نايب الامامه محمدشاه،  
و حاكم لرستان، عربستان، كردستان، همدان، طالقان و فارس: المآثر  
و الآثار (جهل سال تاريخ ايران)، ۵۴/۱، ۵۵، ۵۹، ۷۶، ۱۱۲،  
۱۱۶، ۲۶۳، ۳۰۵، ۳۰۸ به بعد؛ تاريخ منتظم ناصرى، ۱۱۷۰/۲،  
۱۱۷۷، ۱۲۱۹، ۱۲۲۳؛ ۱۳۵۸/۳، ۱۳۶۱ به بعد؛ شرح حال رجال  
ايران، ۸۶/۳ - ۹۲؛ ریحانة الادب، ۳۳۱/۵ - ۳۳۳.
۳. عبدالعلي ميرزا، فرزند فرهاد ميرزا معتمدالدوله (۱۲۹۰ -  
۱۳۳۸ ق / ۱۸۷۳ - ۱۹۲۰ م)، ملقب به احتشام‌الملك  
و احتشام‌الدوله و معتمدالدوله. وى مردى فاضل و شاعر بود،  
و مدتی حکومت خمسه و زنجان را به عهده داشت: المآثر و الآثار  
(جهل سال تاريخ ايران)، ۴۴۱/۱؛ تاريخ منتظم ناصرى، ۵۴۶/۱؛  
۱۲۲۵/۲؛ شرح حال رجال ايران، ۲۷۰/۲ - ۲۷۳.
۴. سيد علاء‌الدين حسين بن موسى بن جعفر، معروف به «سيد  
علاء‌الدين حسين» (شهيد حدود ۲۰۳ ق / ۸۱۸ م)، که به احتمال  
قوى همراه ويا اندكى پس از حرکت برادرانش، سيد احمد بن  
موسى عليه السلام و شهادت على بن موسى عليه السلام، از جور و ستم  
بنى عباس از مدينه خارج شد، و برای رفتن به خراسان، به شیراز  
رفت و در همان‌جا شهيد شد. جنيد شیرازی گوید: مزار وى در  
محلهاى به نام «باغ قتلغ» (گويا نام همان حاکم مأمون بر فارس بوده  
است) واقع شده است. سپس داستان پيدا شدن این مزار را چنین  
شرح داده است: این باغ را باغبانى امين و متدين بود، او شبهاى  
جمعه بر ته‌هاى که در وسط این باغ بود، نوری مشاهده مى‌کرد  
و شگفت‌زده مى‌شد، و درباره آن تفحص کرد؛ و چون علت را  
ندانست، به صاحب باغ، که امير وقت شیراز بود، خبر داد. امير  
خود و عده‌اى برای تحقيق و تفحص این واقعه رفتند؛ چون نور را  
ديد، از علت آن پرسيد، ولى كسى علت آن را نمى‌دانست. از  
این‌رو، دستور داد که آن تل را بشکافند و حفر کنند. در حين حفر،  
جسدی تازه، پاک و معطر یافتند که چهره‌ای زیبا و پرهيبت داشت  
و در یک دست وى قرآن و در دیگری شمشیری آخته بود. پس از  
جست‌وجو، از روی علايم و آثار و دلايل و بينات آشکار، او را  
شناختند. امير دستور داد گنبدی بر فراز مزار وى بنا کنند: شد  
الازار، ص ۲۶۰ - ۲۶۱؛ تذکره هزار مزار، ص ۱۱، ۷۷، ۳۰۵ - ۳۰۶؛  
فارسنامه ناصرى، ۳۸۴/۱، ۴۸۴؛ ۹۱۵/۲؛ مراقد المعارف، ۷۴/۲ -  
۷۶؛ اقليم پارس، ص ۶۷ - ۶۸؛ شیراز دیار سعدی و حافظ،  
ص ۳۲۵ - ۳۴۶؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز،  
ص ۱۷۶؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۴ - ۱۴۵؛ دائرةالمعارف  
تشیع، ۹۷/۱.
۵. شرح حال وى را نياقتم.

میرزا زین العابدین الشیروانی<sup>۱</sup> و وفاته [فی] شهر ذی القعدة [من] سنة ۱۳۲۱.

و علی رأس باب الرواق من الداخل، کتیبه علیها هذه العبارة: «هذا مشهد الامیر السید الشهید الحسین بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی - صلوات الله علیهم اجمعین - فی سبع و عشرين و مأتین.» انتهى.

وفي صحن البقعة، ای الکبیر، قبور؛ منها: قبر المرحوم الشیخ محمد طاهر بن الحسن بن شُبّر العلامة الخاقانی، المشهور بـ «الشیخ محمد طاهر العربي»<sup>۲</sup> صاحب خمسة و عشرين تألیف. و وفاته ۱۳۲۵ صفر المظفر، و علیه لوح حجری [و علیه آیات] منها:

محمد الطاهر الینبوع قد ظهرت  
اخلاقه کصفات الحق من ذم

و كان فی ذلك الصحن، مدرسة شریفة ذات حجرات عشرة او ازید و كان تعمیرها، زمن فرهاد میرزا، بعد الف و مأتین و تسعین. انتهى.

وفي ليلة الاحد، الرابع من ع ۲ [ربیع الثانی]، من سنة ۱۳۵۱، دعینا الی ضیافة فی خارج البلد، بقریة تسمى بـ «سعدی» و فیها قبر الشیخ سعدی<sup>۳</sup> و كان المدعی عالمها الشیخ محمد... [کذا فی المتن] المشهور بـ «شیخ سعدی» بالاضافة. فلما با کرنا الصباح، خرجت مع الاخ الشیخ جلال الدین، للتؤنس و التفرّج و دخلت بقعة الشیخ سعدی و كان لها صحن و علی رأس قبره فی الرازونة لوح حجری منقوش فیهِ: «هذا مرقد مقتدی السالکین، مجمع الفضائل الملكية، ینبوع المحامد السنیة، ذوالمعالي البهیة، المشار الیه بالبنان»، و كان اللوح مکسوراً، و فی آخر السطور، هذه العبارة: «الشیخ ابو عبدالله الشیخ سعدی.»

و فی تلك الرازونة، تمثال السعدی، منقوش احد طرفیه: «هذه تمثال قطب العارفین، مفخر السالکین، الشیخ مصلح الدین سعدی الشیرازی - طیب الله مرقدہ - اتخاذا من صورتی است که در کتاب مستشرق شهیر، سر ادوارد براون<sup>۴</sup>، تصویر شده، و اصل صورت، در خزانه سلطنتی لندن ضبط است.<sup>۵</sup> این جانب میرزا ابوالقاسم خان نصیرالملک<sup>۶</sup>، بنابه ارادتی که به آن عنصر مفخر ایران داشتیم، مصمّم و بانی شده، دستور گرفتیم این عکس را داده، و به یادگار زنده دارنده حیات ادبی ایران، وقف مقبره منوره سعدیه نمودم؛ تا هموطنان، این جانب را

۱. میرزا علی شیروانی (۱۲۵۳ - ۱۳۲۱ ق/ ۱۸۳۷ - ۱۹۰۳ م). از عرفای ساکن شیراز، و فرزند زین العابدین شیروانی، و از بزرگان سلسله نعمة اللهیّه: فارسنامه ناصری، ۹۷۰/۲ - ۹۷۱.

۲. شیخ محمد طاهر بن شیخ حسن بن شیخ شبیر خاقانی، مشهور به «شیخ محمد طاهر عربی» (متوفی ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م)، از عالمان بزرگواری که به شیراز آمد و در آنجا سکوت نمود و به ارشاد مردم پرداخت. معارج الانوار فی منازل الابوار، از آثار اوست: طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۱/۳۱، ۹۷۰/۳؛ الذریعة، ۲۱/۱۸۰.

۳. ابومحمد مشرف الدین (شرف الدین)، افصح المتکلمین، مصلح بن عبدالله بن مشرف سعدی شیرازی (حدود ۶۰۶ - ۶۹۱ ق/ ۱۲۰۹ - ۱۲۹۲ م) شاعر پرآوازه ایرانی، که بی تردید بزرگترین شاعری است که پس از فردوسی، آسمان ادب فارسی را به نور خیره کننده خویش روشن ساخت. تأثیری که گلستان و بوستان وی بر ادبیات فارسی گذاشته اند، برهیچ کس پوشیده نیست: شد الازار، ص ۴۶۱ - ۴۶۳؛ تاریخ گزیده، ص ۷۳۴ - ۷۳۵؛ حبیب السیر، ۲/۵۶۱ - ۵۶۴؛ نفحات الانس، ص ۶۰۰ - ۶۰۱؛ تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی، ص ۲۲۳ - ۲۲۴؛ مجالس العشاق، ص ۱۲۳ - ۱۲۶؛ لطایف الطوائف، ص ۲۵۹؛ مجالس المؤمنین، ۱/۲۹۲ - ۲۹۴؛ هفت اقلیم، ۱/۱۹۶ - ۲۰۳؛ آتشکده آذر، ص ۲۶۹ به بعد؛ مرآة الخیال، ص ۴۴ - ۴۵؛ ریاض العارفین، ص ۱۴۳ به بعد؛ مجمل الفصحاء، ۱/۲۷۴؛ سعدی نامه، چاپ ۱۳۱۶ ش؛ مقدمه های بوستان و گلستان؛ تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۳/۵۸۱ - ۶۲۲؛ ریحانة الادب، ص ۳۳/۳ - ۳۷؛ آثار عجم، ص ۴۷۶؛ قاموس الاعلام، ۴/۲۵۷۲؛ فرهنگ سخنوران، ۱/۴۵۴ - ۴۵۵؛ تذکرة مرآة الفصاحة، ص ۲۷۶ - ۲۷۷؛ دانشمندان و سخن سرایان فارس، ۳/۱۰۲ - ۱۶۱؛ فهرس التواریخ، ص ۱۶۳؛ معجم المؤلفین، ۶/۱۵۱؛ ترجمه تقویم التواریخ، ص ۱۲۲.

۴. ادوارد براون (۱۸۶۲ - ۱۹۲۶ م/ ۱۲۴۰ - ۱۳۰۴ ش)، مستشرق انگلیسی و نویسنده کتاب تاریخ ادبیات ایران، که به فارسی هم ترجمه شده است: تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۱/ مقدمه؛ بیست مقاله، مقاله علامه قزوینی، تهران، ۱۳۱۳ ش؛ روزگار نو (مقاله مینوی) جلد اول، شماره ۲، پاییز ۱۹۴۱ م؛ تاریخ ادبی ایران (از سعدی تا جامی)، ترجمه حکمت، مقدمه، ص ی - یب؛ تاریخ ادبیات ایران (از صفویه تا عصر حاضر) براون، ترجمه بهرام مقدادی، مقدمه، ص ۹/۱؛ فرهنگ خاورشناسان، ذیل براون؛ مجله آینده، دوره قدیم، سال اول، شماره های ۳ و ۴ و ۷.

۵. تاریخ ادبی ایران (از سعدی تا جامی) براون، ترجمه حکمت، ص ۱۵۲، به نقل از کتاب نقاشی هند در زمان مغول، تألیف پرسی براون، ص ۱۵۴.

۶. ابوالقاسم خان نصیرالملک بن حاج میرزا عبدالله شیرازی (متوفی ۱۳۲۰ ق/ ۱۹۰۲ م)، از نوادگان حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله شیرازی: شرح حال رجال ایران، ۱/۴۸؛ ۴/۳۴۷؛ تاریخ منتظم ناصری، ۳/۲۰۳۹ - ۲۰۴۱؛ شیراز درگذشته و حال، ص ۱۰۷، ۲۱۳.

به ذکر خیر یاد نمایند. ۲۵ ذی‌حجه الحرام ۱۳۴۴، مطابق ۱۴ تیرماه ۱۳۰۵، کتبه الحقیق الفقیر، علی نقی الشریف. انتهى. و فی اطراف البقعة کتبیات من الاشعار، سمحت بها قریحة شوریده الشاعر و فی آخرها فی التاریخ: «ز بلبل چمن اهل فارس سعدی آه.» (۶۹۱).

و عمرت البقعة بأمر حبیب‌الله خان، قوام‌الملک<sup>۱</sup>، ۱۳۳۳ [ق] و علی قبر الشیخ سعدی حجر منقوش علیه ابیات من شعره و تمثاله کان علی خلاف ما نرى من التماثل، لأنه کان کدیج اللحیة و علی رأسه طربوش من طرابیش الدراویش، مکتوبة علیه الابیات و یقرأ من ظاهره أنّ صاحب هذا التمثال کان عمره حدود خمسين سنة.

و بجنب بقعة السعدی فی ذلك الصحن، بقعة دفن فیها «شوریده»<sup>۲</sup> الشاعر، المتخلص بذلك و المشهور بـ «فصیح الملک»، و علی قبره ابیات؛ آخرها فی تاریخ وفاته منه ما سمحت بها قریحة ابنه:

«شده شوریده به جان

جانب منان رحیم.» (۱۳۴۵).

و فی الصحن ماء فی قعر الارض فی کمال الصفا و فیہ شیء من المیاه المعدنية نافع للامراض الجلدية و الاعصاب و الفصام، تتوجه الیه اهل البلد، ذکوراً و اناثاً. انتهى.

حدثني الشیخ سعدی، أنّ فی حوالي صحن الشیخ سعدی علی الجبل، ثلاثة آبار لا یعلم عمقها؛ منها: بئر بعید العمق، یقال فی السنة العوام، انها یتهی الی بندرعباس.

و فی صحن الشیخ مدفون عدة من العرفاء، منهم: الدریش آقا جان الاصبهانی<sup>۳</sup> و غیره.

و فی یوم الاثنین، الخامس من ع ۲، من ۱۳۵۱، خرجنا مع الاصحاب و الاخوة الاحباب الی زیارة علی بن حمزة علیه السلام<sup>۴</sup>

۱. حبیب‌الله خان قوام‌الملک چهارم، فرزند محمدرضاخان (۱۲۸۶ - ۱۳۳۴ ق / ۱۸۶۹ - ۱۹۱۶ م)، که مدتی کلانتری و بیگلربیگی فارس را به عهده داشت: خاطرات و خطرات، ص ۳۶۲، ۳۷۵؛ شرح حال رجال ایران، ۱/ ۳۱۰ - ۳۱۱.
۲. محمد تقی فصیح الملک شیرازی، متخلص به «شوریده» (۱۲۸۰ - ۱۳۴۵ ق / ۱۸۶۳ - ۱۹۲۶ م)، ادیب، فاضل و شاعر، که درهفت‌سالگی به بیماری آبله گرفتار شد و از هر دو چشم نابینا گردید، و در نه‌سالگی پدر کاسب و شاعر خویش را از دست داد، و در ۱۲۸۸ ق با دایی خود به مکه معظمه مشرف شد. چون به ایران بازگشت، در دستگاه میرزا

علی اصغر خان اتابک صدراعظم، مکانتی فراوان و به سزا یافت، و در ربیع‌الثانی ۱۳۴۵ چشم از جهان فرو بست: فارسنامه ناصری، ۱/ ۲۹، ۴۰؛ آثار عجم، ص ۲۶۶ - ۲۶۸؛ دریای گوهر حمیدی، ۳/ ۳۷ - ۵۳؛ سخنوران نابینا، مشیر سلیمی، ص ۲۲۱ - ۲۴۴؛ سخنوران ایران در عصر حاضر، محمد اسحاق، ۱/ ۱۸۰ - ۱۹۰؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی مشار، ۲/ ۲۲۳ - ۲۲۴؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۳/ ۳۲۳ - ۳۶۳؛ تذکرة مرآة الفصاحة، ص ۳۱۸ - ۳۲۳؛ سخنوران نامی معاصر، ۱/ ۱۳۴ - ۱۳۶؛ مکارم الآثار، ۶/ ۲۰۷۷؛ فهرست کتابخانه مجلس، ابن یوسف، ص ۳۱۹ - ۳۲۰؛ شکرستان پارس، خطی، حرف (ش)؛ یادگار، سال پنجم، شماره سوم، ص ۶۴ - ۶۶؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۳۹۰ - ۳۹۲؛ غزلیات شوریده شیرازی، مقدمه؛ مجله ارمغان، سال هفتم، ص ۳۵۵ - ۳۶۵ و سال نهم، ص ۷۸ - ۸۳؛ بزرگان نامی پارس، ۲/ ۱۰۸۹ - ۱۰۹۶.

۳. شرح حال وی را نیافتیم.

۴. علی بن حمزة بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیه السلام علوی (شهید حدود ۲۲۰ ق / ۸۳۵ م). وی در سال ۲۲۰ ق بر اثر ستم و فشار بنی‌عباس، به همراه تنی چند از نزدیکان خویش، پنهانی وارد شیراز شد، و در غاری در کوه‌های اطراف شیراز اقامت کرد، و این همان غاری است که بعدها ابن‌باکویه شیرازی، آن را زاویه و خلوتگاه خویش قرار داد. علی بن حمزه و همراهانش روزها به گردآوری هیزم می‌پرداختند، سپس آن را به درگاه استخر می‌بردند و می‌فروختند، و از این راه امرار معاش می‌کردند. پس از بیرون آمدن آنان از مدینه، بنی‌عباس گروهی جاسوس را به تعقیب آنان فرستادند، تا آنها را یافته و به دربار مأمون اطلاع دهند. روزی علی بن حمزه، با کوله‌باری از هیزم، از کوه به سمت شهر رفت. یکی از جاسوسان او را شناخت و به فرمانده خویش خبر داد، و فرمانده با سواران خود به بالای سر علی آمد، و چون به علی نگاه کرد، بر پیشانی او خالی دید، و گمان او قوی شد که خود علی بن حمزه است. پس از او پرسید: نامت چیست؟ گفت: نامم علی است. پرسید: فرزند کی؟ گفت: حمزه. پرسید: حمزه فرزند چه کسی؟ گفت: موسی. پس آن فرمانده ستمکار فرود آمد و گردن وی را زد و رفت. گفته‌اند که آن سید مظلوم، پس از جدا شدن سر از بدنش، به پاخاست و سر خود را به دست گرفت و راه افتاد، تا در این موضع که اکنون مزار وی است، به زمین افتاد، و تا چند روز، مردم از او صدای لاله‌اله‌الاله می‌شنیدند. سپس او را در همان جا به خاک سپردند. زمانی که عضدالدوله دیلمی به پادشاهی رسید، دستور داد تا بر تربت او حظیره‌ای ساختند: لباب الانساب بیهقی، ۲/ ۴۴۱، ۵۹۴؛ شد الازار، ص ۳۶۶ - ۳۶۸؛ سراج الانساب، ص ۷۶؛ مزارات شیراز، ص ۱۳۱؛ تذکرة هزار مزار، ص ۳۹۳ - ۳۹۴؛ شیرازنامه، زرکوب شیرازی، ص ۱۵۲ - ۱۵۳؛ عمدة الطالب، ص ۲۰۳؛ آثار عجم، ص ۴۵۵؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۱۴۵؛ بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، ص ۱۷۹.

۲. سید علی رضا حسینی شیرازی (زنده ۱۳۰۴ ق / ۱۸۸۷ م)، نواده میرزا محمد کلانتر و از کاتبان و خوشنویسان زمان خود بود که خط نستعلیق را به کمال می‌نوشت و کاتب مخصوص فرهاد میرزا معتمدالدوله بود: بزرگان نامی پارس، ۲/۱۰۰۳ - ۱۰۰۴؛ احوال و آثار خوشنویسان بیانی، ص ۴۶۱.

۳. شرح حال وی را نیافتیم.

۴. شرح حال وی را نیافتیم.

۵. حافظیه، مزار خواجه شمس‌الدین محمد بن محمد بن محمد حافظ شیرازی (حدود ۷۲۷ - ۷۹۲ ق / ۱۳۲۷ - ۱۳۹۰ م)، یکی از بزرگترین شاعران نغزگو و غزلسرای ایران است، و دیوان وی شاهد صادقی بر این مدعاست: نفحات الانس، ص ۶۱۴؛ تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی، ص ۳۳۸ - ۳۴۴؛ مجمل فصیحی، حوادث ۷۹۲ ق؛ حبیب السیر، ۳/۳۱۵؛ مجالس المؤمنین، ۴/۲۹۴؛ تاریخ فرشته، ۹/۵۷۶؛ لطائف الطوائف، ص ۲۲۳؛ هفت اقلیم، ۱/۲۱۱؛ آتشکده آذر، ص ۲۶۵؛ ریاض العارفین هدایت، ص ۱۸۶ - ۱۸۸؛ شعر العجم شبلی نعمانی (ترجمه فخر داعی)، ۲/۱۶۵ - ۲۴۵؛ مرآة الخیال، ص ۵۱؛ بهارستان سخن، ص ۲۳۶ - ۳۴۳؛ طرائق الحقایق، ۲/۳۰۵؛ دیوان حافظ، مقدمه محمد گلندام، به کوشش محمدخان قزوینی؛ تذکره میخانه، ص ۸۴ - ۹۳؛ فارسنامه ناصری، صفحات متعدد؛ کشف الظنون، ۱/۷۸۳ - ۷۸۴؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۳/۲۰۶۴ - ۱۰۸۹؛ مرآة الفصاحة داور، ص ۱۴۹ - ۱۵۱؛ فرهنگ سخنوران، ۱/۱۴۷ - ۱۴۸؛ تذکره دلگشا، ص ۱۶۷ - ۱۹۷؛ تاریخ ادبی ایران، براون، ترجمه حکمت (از سعدی تا جامی)، ص ۳۵۸ - ۴۲۲؛ ریحانة الادب، ۲/۱۲ - ۱۵؛ آثار عجم، ص ۴۴۹؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثامن)، ص ۱۸۲؛ الذریعة، ۹/۲۲۲ - ۲۲۴؛ ۱۳/۱۸۰ - ۱۸۱؛ ۱۸/۳۱۷ - ۳۲۰؛ ۳۲۶؛ اعیان الشیعة، ۴/۳۸۰ - ۳۶۵؛ شیراز درگذشته و حال، ص ۱۶۶ - ۱۷۱، ۳۱۴ - ۳۲۲.

۶. آقا محمدهاشم بن میرزا محمد اسماعیل عارف (متوفی ۱۱۹۹ ق / ۱۶۸۸ م)، از اقطاب سلسله ذهبیه و از شاگردان سید قطب‌الدین محمد شیرازی ذهبی و صاحب آثاری مانند رساله مناهل التحقيق، ولایتنامه، رباعیات. خاوری شیرازی دخترزاده، راز شیرازی داماد، و نیازی شیرازی پسر وی، همه از شاعران معروف شیرازند: طرائق الحقائق، ۳/۲۱۷، ۲۱۹ - ۲۲۰؛ مرآة الفصاحة داور، ص ۱۸۲، ۲۲۳، ۶۷۵؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الثانی عشر)، ص ۸۰۸ - ۸۰۹؛ الذریعة، ۲۲/۷۴۰۷ - ۱۴۵/۲۵.

۷. ملا لطف‌علی بن ملا محمد صادق خراسانی عارف (متوفی ۱۲۳۳ ق / ۱۸۱۸ م)، او فرزند خاکی شاعر بود. اصل وی از بروجرد، و متولد مشهد بود، و به کابل و پیشاور و عراقین و شیراز سفر کرد، و در شیراز سکونت نمود و از اقطاب سلسله ذهبیه، مانند سید قطب‌الدین نیری شیرازی و آقا محمدهاشم عارف ذهبی، عرفان آموخت و در ۱۲۳۳ یا ۱۲۳۴ ق در شیراز چشم از جهان فرو بست: طرائق الحقایق، ۳/۲۵۳ - ۲۵۴.

و بجنبه بقعه فیها قبر المرحوم حجة الاسلام المیرزا محمد ابراهیم بن الآخوند ملا محمد علی المحلاتی شیرازی<sup>۱</sup> و عند رأسه فی الرازونه، تمثاله الشریف و علی عینه منظره و تاریخ وفاته، ع ۲ سنة ۱۳۳۶.

و قریب منه فی خارج البقعة، قبر الحاج سید علی رضا شیرازی<sup>۲</sup>، من تلمذة آية الله الحسيني الشيرازي.

ثم دخلنا صحن سيدنا علي بن حمزة وفيه بقعة فيها قبر الشيخ محسن المحلاتي<sup>۳</sup>، اخو الميرزا ابراهيم و تاريخ وفاته ۱۳۳۷ [ق] و قال في تاريخه الآقا محمد جواد المشهور بكمپانی:

«الغرض جُست از خرد تاريخ محنت جواد گفت: جای محسن آمد نزد خیر المحسنين.» (۱۳۳۷)

ثم فرنا بزيارة قبر علي بن حمزة عليه السلام و كانت البقعة الشريفة الطاهرة، وسیعة و فی وسطها قبره الشریف، مکتوب علیه أنه: «قبر علي بن حمزة بن موسى بن جعفر عليه السلام» و فیها قبر مذهب الدولة<sup>۴</sup>، من ذرية السيد عليخان المدني و غيره من الاشراف و الاكابر. انتهى.

و فی صباح يوم الثلاثاء، السادس من ع ۲ [من] سنة ۱۳۵۱، خرجنا من المنزل، عازمين الى التنزه فی الحافظة<sup>۵</sup> و كان له صحن وسیع و فیه قبر العارف، آقا محمدهاشم<sup>۶</sup> المتوفی سنة ۱۱۹۹ [ق]، من العرفاء و اقطاب السلسلة الذهبية فی وقته قریب الحافظ و قبر آقا عبدالله العارف، نجل الآقا محمدهاشم المذكور، المتوفی سنة ۱۲۵۷ [ق].

و قبر الملا لطف علی بن الملا محمد صادق العارف الخراسانی<sup>۷</sup> و تاریخ وفاته [فی] ذی القعدة ۱۲۳۳، قریب قبر الحافظ.

۱. میرزا محمد ابراهیم بن محمد علی محلاتی شیرازی (متوفی ۱۳۳۶ ق / ۱۹۱۸ م)، عالم و فقیهی از خاندان محلاتی شیراز. وی مدتی در نجف اشرف نزد آیت‌الله مجتهد شیرازی دانش آموخت. سپس همراه استاد خود به سامرا رفت و در ۱۳۱۵ ق به شیراز مراجعت کرد و به ارشاد مردم پرداخت و در ۲۴ صفر ۱۳۳۶ چشم از جهان فرو بست. الدرر الافکار فی صلح حق الاخیار و حاشیة علی مبحث الاستصحاب من الرسائل شیخ انصاری از آثار اوست: فوائد الرضویة، ص ۱۲؛ اعیان الشیعة، ۲/۲۱۳؛ طبقات اعلام الشیعة، (قرن الرابع عشر)، ۱/۲۷ - ۱/۱۵۲، ۶/۱۵۲ - ۸/۱۱۸ - ۱۱۹؛ معجم المؤلفین، ۱/۱۰۳؛ بزرگان نامی پارس، ۲/۱۰۴۵؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۱/۴۹؛ گنجینه دانشمندان، ۵/۴۵۶ - ۴۵۷.



و قبر المیرزا هدایت الله بن المیرزا ابوالخیر الحسینی<sup>۱</sup> العارف و تاریخ وفاته رمضان ۱۲۹۷، قریب قبر الحافظ.  
و قبر المیرزا عبدالنسیب الشریف الفاطمی<sup>۲</sup>، المتوفی رمضان سنة ۱۲۳۱، من العرفاء قریب قبر الحافظ.  
و قبر المیرزا بابا المتولی لشاه چراغ<sup>۳</sup>، المتوفی ۲ ج [کذا فی المتن] ۱۳۱۸، من العرفاء، قریب الحافظ.  
و قبر آقا خواجه، المشهور بـ «خاجو»<sup>۴</sup> الذي كان زمن لطفعلی خان زند. توفی الخاجو سنة ۱۲۲۲ [ق] و عمر قبره فرهاد میرزا، قریب الحافظ.  
و قبر العارف عبدالوهاب ابن الملا علی<sup>۵</sup>، المتوفی سنة ۱۱۷۰ [ق]، قریب الحافظ.  
و قبر سید محمدرضا<sup>۶</sup> العالم، المتوفی ۱۳۲۷ [ق] ابن الحاج سید عباس الکاظمی، قریب الحافظ.  
و قبر فی ناحية من صحن الحافظ عدة من العلماء و هم:  
و قبر الحاج السید علی الکاظمی الشیرازی<sup>۷</sup>، المتوفی ج [کذا فی المتن] سنة ۱۳۳۰، فی تلك الناحية.  
و قبر السید علی اکبر<sup>۸</sup> العالم من سادات المولی الموسوی الشیرازیة، المتوفی ۱۳۳۷ [ق] و قبر الشیخ نورالدین ناظم الشریعة الکاظمی<sup>۹</sup>، ج ۱ [جمادی الاول] سنة ۱۳۲۲، فی تلك الناحية.  
و قبر المیرزا محمداقر<sup>۱۰</sup>، المتوفی سنة ۱۲۴۰ [ق] جدّ حجة الاسلام الحاج میرزا عبدالباقی الموسوی - ادام الله ظله - و للمیرزا محمداقر هذا تألیف؛ منها: شرح الصحيفة، و قد طبع منه شیء؛ و انوار القلوب فی زهاء ثلاث مجلدات و غیرها. و قبره فی تلك الناحية.  
و قبر الشیخ محمدجعفر العارف<sup>۱۱</sup>، المتوفی ۱۳۱۵ [ق] فی [تلك] الناحية.  
و قبر حجة الاسلام الحاج شیخ محمدمهدی الکاظمی<sup>۱۲</sup> المشهور، المتوفی سنة ۱۲۹۳ [ق] فی [تلك] الناحية. له حاشية

۱. میرزا هدایت الله بن میرزا ابوالخیر حسینی عارف (متوفی ۱۲۹۷ ق / ۱۸۸۰ م): طرائق الحقائق، ۱۹۳/۳.  
۲. میرزا عبدالنسیب شریف فاطمی ذهبی شیرازی (متوفی ۱۲۳۱ ق / ۱۸۱۶ م)، عالم فاضل و ادیب عارف و از نوادگان میر سید شریف بن میرزا ابوالقاسم و شاگرد آقا محمدهاشم ذهبی شیرازی و داماد وی، که به او محمدنسیب نیز می گفتند، و از خاندان

و سادات سلسله ذهبیه در شیراز بود: آثار عجم، ص ۴۷۳؛ طرائق الحقائق، ۳/۳۲۹، ۳۹۵؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الثالث عشر)، ۷۹۷/۲/۲؛ فارسنامه ناصری، ۹۴۵/۲ - ۹۴۷.  
۳. محمدمتقی، معروف به میرزا بابا خادم شیرازی (متوفی ۱۳۱۸ ق / ۱۹۰۰ م)، متولی شاه چراغ: طرائق الحقائق، ۴/۱؛ ۲/۳۴۵؛ مرآة الفصاحة داور، ص ۳۴۵؛ مصطبۀ خراب، ص ۵۳.  
۴. شرح حال وی را نیافتم.  
۵. لطفعلی خان فرزند جعفر خان زند (۱۱۸۱ - ۱۲۰۹ ق / ۱۷۶۷ - ۱۷۹۴ م)، آخرین پادشاه از سلسله زندیه که حدود ۱۲۰۳ ق در شیراز به حکومت رسید و در ۱۲۰۹ ق در پای قلعه بم گرفتار شد و نخستین پادشاه قاجار او را شکنجه کرد. سرانجام به دست حاکم تهران کشته شد و در امامزاده زید در تهران به خاک سپرده شد: روضة الصفا، ۹/۳۶۷؛ تاریخ منتظم ناصری، ۳/۱۳۶۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۵، ۱۴۱۹، ۱۴۲۳، ۱۴۲۶؛ فهرس التواریخ، ص ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۷ - ۳۱۹؛ دائرةالمعارف فارسی مصاحب، ۲/۲۴۹۵؛ فارسنامه ناصری، ۵۳/۱، ۸۷، ۱۰۱، ۱۲۷، ۴۹۶، ۶۱۶، ۶۵۰، ۶۵۱ به بعد.  
۶. شرح حال وی را نیافتم.  
۷. شرح حال وی را نیافتم.  
۸. سید علی بن سیدعباس بن سید حسین بن حاج سید، مشهور به میرزا درویش حسینی حسینی فهلیانی کازرونی شیرازی (۱۲۷۷-۱۳۴۳ ق / ۱۸۶۰-۱۹۲۴ م)، ملقب به مجتهد. او از شاگردان میرزا حبیب الله رشتی و آخوند خراسانی بود و در سال ۱۳۱۴ ق به کازرون و سپس به شیراز رفت، و در ۱۸ رجب ۱۳۴۳ ق یا ۱۳۳۰ در شیراز چشم از جهان فرو بست، و در حافظیه به خاک سپرده شد. فواید مشروطیت، تقریرات اصول و دیوان از آثار اوست: طبقات اعلام الشيعة (قرن الرابع عشر)، ۲/۱۴۶۰؛ الذریعة، ۹/۳۵۶، ۷۴۳.  
۹. شرح حال وی را نیافتم.  
۱۰. شرح حال وی را نیافتم.  
۱۱. میرزا محمداقر بن سید محمد موسوی، ملقب به ملاباشی (متوفی ۱۲۴۰ ق / ۱۸۲۴ م)، عالم متبحر و طبیب شیرازی و جد حجت الاسلام میرزا عبدالباقی موسوی و شوهر خاله آیت الله مجدد شیرازی. آثار وی عبارت اند از: لوامع التنزیل فی شرح صحیفة السجادية و انوار القلوب. سال مرگ وی را ۱۲۳۲ یا ۱۳۲۵ ق نوشته اند: مجمع الفصحاء، ۲/۸۳؛ طبقات اعلام الشيعة (قرن الثالث عشر)، ۱/۱۹۰ - ۱۹۱؛ گنجینه دانشمندان، ۵/۴۲۵؛ بزرگان نامی پارس، ۲/۹۷۴ - ۹۷۵؛ فارسنامه ناصری، ۲/۱۱۳؛ فوائد الرضویة، ص ۴۲۵.  
۱۲. شرح حال وی را نیافتم.  
۱۳. حجت الاسلام شیخ محمدمهدی کجوری (متوفی ۱۲۹۳ ق / ۱۸۷۶ م)، پدر منظر شیرازی و صاحب حاشیه الرسائل و القوانين: آثار عجم، ص ۵۶۸؛ تذکره شعاعیه، ص ۴۵۳؛ مرآة الفصاحة داور، ص ۶۱۳؛ فارسنامه، ۲/۹۱۴، ۹۱۸، ۹۵۶ به بعد.

سخن، ص ۴۰۲ - ۴۰۳؛ مرآة الفصاحة، ص ۷۶ - ۷۸؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۱/ ۳۷۶ - ۳۷۹؛ سرآمدان فرهنگ و تاریخ ایران، ۱/ ۲۰۷ - ۲۰۸؛ تاریخ نظم و نثر ایران، ۱/ ۴۴۰؛ دیوان اهلی شیرازی، مقدمه، به کوشش حامد ربانی.

۵. میرزا محمدنصیر بن میرزا محمدجعفر اصفهانی، متخلص به فرصت و ملقب به فرصت‌الدوله (۱۲۷۱ - ۱۳۳۹ ق/ ۱۸۵۵ - ۱۹۲۱ م)، عالم، ادیب، شاعر و مؤلف نامدار شیرازی و از نوادگان میرزا محمدنصیر. طبیب زمان کریمخان زند. مقالات سیاسی و علمی، چاپ تهران؛ دریای کبیر؛ دبستان الفرصه؛ دیوان، که در بمبئی چاپ شده؛ اشکال المیزان؛ بحور الالحن؛ آثار العجم از اوست؛ آثار عجم، ص ۵۹۴ - ۵۹۵؛ تذکره شعاعیه، ص ۳۴۲ - ۳۶۲ (خطی)؛ مرآة الفصاحة داور، ص ۴۶۷ - ۴۷۱؛ ریحانة الادب، ۴/ ۳۲۹ - ۳۳۰؛ دیوان فرصت، مقدمه از زرین‌قلم؛ سخنوران معاصر، ۲/ ۲۰۴ - ۲۰۷؛ سبک‌شناسی، ۳/ ۲۹۲؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۴/ ۹۴ - ۱۲۵؛ الذریعة، ۳/ ۱۱۲ و موارد دیگر؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۵۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۳۹۳ - ۳۹۹ به بعد.

۶. بیت قوام یا خاندان قوام منسوب به قوام‌الملک، حاج میرزا علی‌اکبر خان، چهارمین پسر حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله (مقتول ۱۲۱۵ ق/ ۱۸۰۱ م) بیگلربیگی فارس و صدر اعظم فتحعلیشاه قاجار بود. حاج میرزا علی‌اکبر خان، نخستین فرد از این خاندان بود که به قوام‌الملک ملقب گردید. وی در ۱۲۸۲ ق/ ۱۸۶۵ م چشم از جهان فرو بست. پس از وی فرزندان و خاندانش به قوام‌الملک و خاندان قوام شهرت یافتند؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۲۱۵ - ۲۱۶.

۷. میرزا حبیب‌الله خان، فرزند محمدرضا خان، ملقب به قوام‌الملک (۱۲۸۶ - ۱۳۴۴ ق/ ۱۸۶۹ - ۱۹۲۵ م)، بیگلربیگی و کلانتر فارس؛ فارسنامه ناصری، ۲/ ۹۶۸.

۸. علی‌محمد خان، فرزند حاج علی‌اکبر خان، ملقب به قوام‌الملک (۱۲۴۵ - ۱۳۰۱ ق/ ۱۸۲۹ - ۱۸۸۳ م)، چهارمین فرزند حاج میرزا علی‌اکبر خان قوام‌الملک شیرازی است، که مدتی حکومت شهرهای کازرون، جهرم، بیدشهر و جویم، داراب، ایلات خمسه اینانلو، باصری، بهارلو، عرب و نفر، لار و محال سبعه را به عهده داشت؛ فرهنگ رجال قاجار، ص ۲۱۷؛ فارسنامه ناصری، ۲/ ۹۶۷؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۲۴۵.

۹. شیخ محمدباقر اصطهباناتی حکیم (شهید ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۰۸ م)، از شاگردان میرزای شیرازی، که در صدر مشروطه شهید شد، و دارای آثار و تألیفات است؛ از جمله: رساله‌ای مبسوط در احکام دین و فرائض و رساله حدوث العالم؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۱/ ۲۱۲ - ۲۱۳؛ الذریعة، ۱/ ۸، ۱۵۸، ۲۶۱، ۳۰۱؛ ۴/ ۸۲، ۳۸۲؛ ۶/ ۲۹۳؛ ۱۷/ ۳۸؛ ۱۸/ ۸۸؛ ۲۵/ ۲۳۱.

۱۰. شرح حال وی را نیافتیم.

الرسائل و القوانين و كان من تلمذة صاحب الضوابط، و قبر ابنه الشيخ محمدرضا، المتوفى سنة ۱۳۳۹ [ق] في [تلک] الناحية.

و قبر الحاج میرزا محمدرضا شیرازی الحکیم الالهی<sup>۱</sup>، المتوفى ۱۲۹۵ [ق] و قبره فی [تلک] الناحية.

و قبر السيد محمدجعفر المزارعی<sup>۲</sup>، المتوفى سنة ۱۳۴۴ [ق]، فی بقعة مخصوصة بالناحية.

و السيد علی الكازرونی<sup>۳</sup>، المشهور بالحکیم، المتوفى سنة ... [كذا فی المتن] فی بقعة بالناحية.

و فی وسط الصحن، قبر الحافظ خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی المشهور و بجنبه فی ذلك الضريح قبر الشاعر، المشهور بـ«اهلی»<sup>۴</sup> الشيخ محمد، المتوفى سنة ۹۴۲ [ق].

و بجنب قبر الحافظ، قبر الشاعر المشهور، فرصت‌الدوله<sup>۵</sup>، صاحب الكتب و الآثار.

و فی ناحية من صحن الحافظ قبور بیت القوام<sup>۶</sup>؛ منها: قبر المیرزا حبیب‌الله خان قوام‌الملک<sup>۷</sup>، المتوفى سنة ۱۳۴۴ [ق].

و قبر المیرزا علی محمد خان قوام‌الملک<sup>۸</sup>.

و فی خارج صحن الحافظ، قبر الحاج شیخ محمدباقر الاصطهباناتی<sup>۹</sup> الحکیم المقتول، المتوفى سنة [۲۶] ۱۳ [ق].

و قبر السيد احمد الطارمی<sup>۱۰</sup> اصلاً، الاصبھانی مولداً،

۱. شرح حال وی را نیافتیم.

۲. سید محمدجعفر مزارعی یا مزاره (متوفی ۱۳۴۴ ق/ ۱۹۲۵ م)، از عالمان فاضل شیراز و از شاگردان آخوند خراسانی که پس از فراگیری دانش، به شیراز بازگشت و در مسجد الفیل شیراز اقامه جماعت کرد، و کتابی به نام ردّ البایبة نوشت، که چاپ شده است؛ طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۱/ ۲۷۷؛ الذریعة، ۱۰/ ۱۸۹.

۳. امکان دارد همان سید علی کازرونی، فرزند سید عباس بن سید حسین باشد که پیش از این شرح حالش گذشت.

۴. شیخ محمد بن یوسف بن شهاب صوفی شیرازی متخلص به اهلی (۸۵۸ - ۹۴۲ ق/ ۱۴۵۴ - ۱۵۳۵ م)، ادیب و شاعر پرواوزه شیرازی و معاصر شاه‌اسماعیل صفوی و امیر علیشیر نوایی. از آثار اوست:

سحر حلال، که در تهران چاپ شده؛ تحفة السلطان فی مناقب النعمان؛ ترجمه مواهب الشریعة؛ دیوان؛ رباعیات گنجفیه؛ رساله در عروض؛ رساله در معما؛ زبدة الاخلاق؛ مجمع البحرين و آثاری دیگر؛ مجالس المؤمنین، ص ۵۱۳ - ۵۱۴؛ هفت اقلیم، ۱/ ۲۲۲؛ آتشکده آذر، ص ۲۶۳ - ۲۶۴؛ مجالس النفاثین، ص ۳۸۷؛ نتایج الافکار، ص ۳۹؛ حبیب‌السیر، ۴/ ۶۰۶؛ تذکره نصرآبادی، ص ۵۱۱؛ تحفة سامی، ص ۱۰۳ - ۱۰۴؛ فارسنامه ناصری، ۱/ ۳۹۳؛ بهارستان

الشیرازی مسکناً، النوربخشی طریقه، المتوفی سنة ۱۲۸۶ [ق].  
 و قبر المیرزا محمدحسین الیزدی<sup>۱</sup>، المتوفی ۱۳۰۷ [ق]،  
 استاذ شیخنا الشیخ محمدجعفر المحلاتی<sup>۲</sup> - دام ظلّه - .  
 و قبر حجة الاسلام المشهور، الحاج سید علی اکبر  
 الموسوی الفال‌اسیری<sup>۳</sup>، المتوفی سنة ۱۳۱۹ [ق] فی  
 بقعة مخصوصة به خارج صحن الحافظ و هناک تمثال و قبر  
 ابنه السید محمد نجله<sup>۴</sup>، المتوفی سنة ۱۳۳۱ [ق] بجنب  
 قبر ابيه.

و فی تلك البقعة قبر المیرزا محمدصادق<sup>۵</sup>، العالم  
 المشهور من تلمذة صاحب الکفایة، العلامة الخراسانی<sup>۶</sup>  
 - قده - و قبر المرحوم الشیخ مرتضی المحلاتی<sup>۷</sup> - قده - فی  
 بقعة مخصوصة بجنب بقعة السید الفال‌اسیری و توفی الشیخ  
 مرتضی هذا، سنة ... [کذا فی المتن].

و قبر الحاج علی اصغر المشهور بـ «السیّاف»<sup>۸</sup>، من اکابر  
 العرفاء، مدفون بین الحافظیة و «چهل تن». له: «مثنوی» فی  
 زهاء احد عشر مجلداً کل جلد یقرب من الفی بیت.  
 و بجنبه قبر معین الشریعة الواعظ العارف الاصطهباناتی<sup>۹</sup>،  
 المتوفی سنة ۱۳۵۱، ثاني محرم.

ثمّ دخلنا بقعة تسمى بـ «چهل تن»<sup>۱۰</sup> و فی الصحن اربعون  
 قبراً من قبور العرفاء و علی تلك القبور، الواح حجریة بلا

۱. میرزا محمدحسین بن علی اکبر یزدی کرمانی شیرازی (متوفی  
 ۱۳۰۷ ق / ۱۸۸۹ م)، عالم متبحر و فاضل جلیل‌القدر و استاد شیخ  
 محمد جعفر محلاتی شیرازی، که چندین سال از آیت‌الله مجدّد  
 شیرازی دانش آموخت، و آیت‌الله شیرازی او را برای ارشاد مردم به  
 شیراز فرستاد. التعادل و التراجیح از آثار اوست: طبقات اعلام  
 الشیعة (قرن الرابع عشر)، ص ۶۲۱؛ الذریعة، ۲۰۳/۴، ۳۷۶؛ اعیان  
 الشیعة، ۲۵۶/۹.

۲. شیخ جعفر (محمدجعفر) ابن محمدحسین بن محمدعلی بن احمد  
 محلاتی شیرازی (متوفی حدود ۱۳۳۰ ق / ۱۹۱۲ م)، از علمای  
 بزرگ فارس که مدتی در سامرا نزد میرزا محمدحسین یزدی کرمانی  
 و سپس در نجف نزد آخوند خراسانی و خلیلی و دیگران دانش  
 آموخت و به شیراز مراجعت کرد و در جای پدر به کار و عطف و ارشاد  
 پرداخت: طبقات اعلام الشیعة (قرن الرابع عشر)، ۲۸۷/۱؛ اعیان  
 الشیعة، ۱۷۸/۴؛ گنجینه دانشمندان، ۴۵۷/۵ - ۴۵۸.

۳. حاج سید علی اکبر موسوی فال‌اسیری (متوفی ۱۳۱۹ ق)، از فقیهان  
 بزرگ شیراز و از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ مهدی  
 کجوری که در قضیه رژی و جریان تحریم تنباکو در زمان ناصرالدین

شاه قاجار، طرف مکاتبه میرزای شیرازی بود، و به این دلیل شهرت  
 یافت. کتاب المیراث از آثار اوست: طبقات اعلام الشیعة (قرن  
 الرابع عشر)، ۱۵۸۴/۲ - ۱۵۸۵؛ الذریعة، ۳۰۳/۲۳؛ بزرگان نامی  
 پارس، ۱۰۴۳/۲؛ گنجینه دانشمندان، ۴۳۴/۵؛ اعیان الشیعة،  
 ۱۷۶/۸.

۴. شرح حال وی را نیافتیم.

۵. شرح حال وی را نیافتیم.

۶. محمدکاظم خراسانی معروف به آخوند، آخوند خراسانی،  
 و صاحب الکفایة (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ق / ۱۸۳۹ - ۱۹۱۱ م)، از  
 مجتهدان و مراجع بزرگ شیعه که از جریان مشروطیت در ایران  
 طرفداری کرد. بیشتر مجتهدان و مراجع و علما و بزرگان معاصر از  
 شاگردان وی بودند. مهمترین آثار وی عبارت‌اند از: الکفایة، الفوائد  
 الاصولیة و الفقهیة، که به الرسائل نیز شهرت دارد: الاعلام زرکلی،  
 ۲۳۴/۷؛ معجم المؤلفین، ۱۱/۱۵۵؛ ریحانة الادب، ۱/۱۴۱ - ۱۴۲.  
 ۷. شرح حال وی را نیافتیم.

۸. حاج علی‌اصغر، مشهور به سیّاف شیرازی (۱۱۸۳ -  
 ۱۲۶۲ ق / ۱۷۶۹ - ۱۸۴۶ م)، از شاعران و عارفان سده سیزدهم  
 هجری و از مرشدان سلسله شاه‌نعمت‌الله ولی کرمانی. چون به  
 شمشیرگری اشتغال داشت، به این لقب شهرت یافت. مثنوی وی  
 دارای هفتاد هزار بیت است، که در شش جلد در اصفهان، به اشتباه  
 به نام سیدمحمد نوربخش دهکردی چاپ شده است، ولی در  
 تهران به نام خود مؤلف منتشر شده است: دانشمندان  
 و سخن‌سرایان فارس، ۲۰۸/۳ - ۲۱۱؛ طرائق الحقائق، ۳/۴۶۲؛  
 آثار عجم، ص ۴۷۵؛ مرآة الفصاحة، ص ۴۲۳ - ۴۲۴؛ الذریعة،  
 ۴۸۱/۹، ۷۴۹؛ ۱۴/۱۸، ۲۳۵؛ ۹۹/۱۹، ۱۴۸، ۲۱۳، ۲۶۸؛ فرهنگ  
 سخنوران، ۴۷۶/۱.

۹. علی بن محمدباقر معین‌الشریعة و اعظما اصطهباناتی (۱۳۱۰ یا ۱۳۱۵ ق  
 / ۱۸۹۲ یا ۱۸۹۷ م)، عالم و عارف و صاحب آثاری به نامهای خانقاه  
 فقیر، چاپ ۱۳۰۷ ق در شیراز؛ و گنج فقیر، که در ۱۳۰۱ ق در بمبئی  
 منتشر شده است؛ و خرابات فقیر، که در ۱۳۰۷ و ۱۳۴۷ انتشار  
 یافته است: دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۴/۱۴۴ - ۱۴۸؛ مؤلفین  
 کتب چاپی فارسی و عربی مشار، ۴/۳۴۰ - ۳۴۱؛ تذکره مدینه  
 الادب، ۲/۲۱۰، نسخه خطی کتابخانه مجلس؛ الذریعة، ۷/۱۳۶؛  
 ۹/۸۴۲، ۱۸/۲۴۰، ۱۹/۱۶۳؛ ۲۳/۱۰۵، ۲۴/۲۸، ۹۳، ۱۰۰.

۱۰. باغ چهل تن در شمال غربی باغ تخت و در مغرب باغ شیخ ورشک  
 بهشت و در شمال شهر واقع شده است و از آثار کریمخان زند است  
 و در شمال حافظیه قرار دارد، و در آن قبر چهل تن از درویشان است.  
 این باغچه را کریمخان برای درویشان ساخت و دارای یک ایوان و چند  
 اتاق و یک حوض است و در طرف غرب آن نیز باغچه دیگری است،  
 و تکیه شیخ ابواسحاق اطعمه در سمت چپ آن است: شیراز در گذشته  
 و حال، ص ۹۸، ۹۹، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۹۱، ۱۹۵، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱؛  
 فارسنامه ناصری، ۱/۱۱۲؛ ۲/۹۰۳، ۱۱۴۵، ۱۱۵۸، ۱۱۷۱، ۱۲۰۳.

تاریخ و کلها بجنب قبر عارف مشهور، آنها من اصحابه.

و فی یسار الداخل من الباب، قبر عارف مشهور به «شیخ الاطعمه»<sup>۱</sup> له کتاب صغیر مطبوع فی الشعر، معروف بکتاب شیخ الاطعمه. و کان بین «هفت تن» و بین «چهل تن» قبر المیرزا عزیز<sup>۲</sup> العارف، المتوفی سنة ۱۲۷۰ [ق] و علی قبره ایات من الوقار<sup>۳</sup>، الشاعر المشهور.

ثم ارتحلنا الی بقعة تسمى به «هفت تن»<sup>۴</sup> فی صفح الجبل و فیها قبور سبعة من العرفاء، علیها الواح حجرية بلاتاریخ و هناک ایوان فیها نقوش و تصاویر؛ منها: تصویر الحافظ و تصویر قصة ذبح ابراهیم عليه السلام ولده اسماعیل و تصویر قصة الشيخ صنعان و تصویر موسی عليه السلام مع ماشيته و تصویر الشيخ سعدي.

و فی خارج البقعة ای تبعة هفت تن، قبر السيد سلیمان المصري<sup>۵</sup>، من العرفاء. و فی داخل البقعة، قبر الدریش سيد اسدالله، المتخلص به «ژولیده»<sup>۶</sup>، المتوفی سنة ۱۳۳۵ شعبان.

ثم خرجنا عازمین الی زیارة القرآن الشریف الموضوع علی رأس احد ابواب البلد، المسمى به «دروازه قرآن»<sup>۷</sup> و کان علی صفح الجبل هناک قبران: قبر السيد عمادالحق الوزير<sup>۸</sup>، بنقطة تسمى بالمشرقی علی یمین الداخل الی شیراز؛ و قبر الخواجة الكرمانی الشاعر المشهور به «خاجو

۱. ابواسحاق شیخ احمد معروف به شیخ الاطعمه، و مکنی به ابواسحاق یا بسحاق (۸۱۴ - ۸۳۸ ق / ۱۴۱۱ - ۱۴۳۴ م)، ادیب، شاعر و از معاصران شاه نعمت الله ولی کرمانی. علت اشتها وی به شیخ الاطعمه، آن است که برخلاف دیگر شاعران، فقط به مدح خوراکیها می پرداخت: آثار عجم، ص ۴۷۴؛ دیوان مولا بسحق حلاج شیرازی، مقدمه؛ تذکرة الشعراء دولت شاه سمرقندی، ص ۲۷۶ - ۲۸۰؛ فارسنامه ناصری، ۱۱۵۸/۲؛ آتشکده آذر، ص ۲۷۹؛ سفینه الشعراء فهیم افندی، ص ۱۸۲؛ مجمع الفصحاء، ۱۵/۴؛ تذکرة حسینی، ص ۶۹ - ۷۱؛ تذکرة صبح گلشن، ص ۶۳ - ۶۴؛ طرائق الحقائق، ۲۴/۳؛ مرآة الفصاحة داور، ص ۸۷ - ۸۹؛ ریحانة الادب، ۲۶۵/۱ - ۲۶۷؛ قاموس الاعلام، ۱۳۰۹/۲؛ ۲۸۹۶/۴؛ فرهنگ سخنوران معاصر، ۸۵/۱؛ فرهنگ سخنوران، ۱۳۵/۱ - ۱۳۶.

۲. شرح حال وی را نیافتیم.

۳. میرزا احمد وقار شیرازی، فرزند میرزا محمدشفیع وصال شیرازی (۱۲۳۲ یا ۱۲۳۴ - ۱۲۹۸ ق / ۱۸۱۷ یا ۱۸۱۹ - ۱۸۸۱ م)، ادیب و شاعر نامدار شیرازی، و صاحب آثاری چون: انجمن دانش، چاپ

۱۳۶۶ ش؛ رموز الامارة یا شرح و ترجمه نامه حضرت علی عليه السلام به مالک اشتر، چاپ ۱۳۳۱ ق در شیراز، و هیجده اثر دیگر که بعضی به چاپ رسیده اند: مرآة الفصاحة داور، ص ۶۹۷ - ۷۰۱؛ آثار عجم، ص ۳۵۶ - ۳۵۷؛ حدیقة الشعراء، ۲۰۲۸/۳ - ۲۰۴۰؛ خاندان وصال شیرازی، ص ۵۱ - ۱۲۰؛ فارسنامه ناصری، ۹۹۶/۲ - ۱۰۰۵؛ گلشن وصال، ص ۱۲۷ - ۲۷۴؛ المآثر والآثار، ۲۱۵/۱؛ مجمع الفصحاء، ۱۱۳۲/۶؛ ریحانة الادب، ۲۹۸/۶ - ۳۰۰؛ طرائق الحقائق، ۳۷۲/۳ - ۳۷۴؛ فرهنگ سخنوران، ۹۸۶/۲.

۴. تکیه هفت تن، یا هفت تنان، یکی از نقاط دیدنی و در شمال شهر شیراز که در دامنه کوه چهل مقام و در پایین تخت ضرابی واقع شده و از بناهای کریمخان زند است. این تکیه دارای یک ایوان بلند با دو ستون سنگی یکپارچه، نظیر چهار ستون کریمخانی تالار حافظیه است. در دیوارهای ایوان آن پنج نقش از شاه ابواسحاق با حافظ، قربانی کردن اسماعیل به دست پدرش ابراهیم، شیخ صنعان و دختر ترسا، حضرت موسی در زمان شبانی، سید معصوم علی شاه ولی، قطب درویشان، یا به گفته عوام شیراز تصویر سعدي است. در این تکیه قبور هفت تن از عارفان گمنام به موازات هم قرار گرفته اند و روی هیچ یک از آنان چیزی نوشته نشده است: فارسنامه ناصری، ۱۱۲/۱؛ ۹۰۳/۲، ۹۰۳، ۱۱۹۸، ۱۱۶۵، ۱۲۰۰، ۱۲۰۳؛ شیراز در گذشته و حال، ص ۹۷، ۹۹، ۱۰۲، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۹۱، ۱۹۵، ۵۰۹.

۵. شرح حال وی را نیافتیم.

۶. شخصی به این نام نیافتیم، اما شاعری به نام عبدالله، ملقب به هدایت الفقراء و متخلص به ژولیده شیرازی الاصل وجود دارد و صاحب دیوان شعری است که نسخه ای از آن به خط محمد ابراهیم شیرازی (کتابت قرن سیزدهم هجری) در ۲۵۴ برگ و شامل حدود ۲۵۰۰ بیت در کتابخانه ملک در تهران، به شماره ۵۴۵۹، موجود است: الذریعة، ۴۱۳/۲/۹.

۷. دروازه قرآن در شیراز، در مدخل تنگ الله اکبر قرار دارد و در زمان عضدالدوله دیلمی، طاق بلندی حامل قرآن مجید ساخته بودند که مسافران از زیر آن می گذشتند. این طاق به مرور زمان شکسته شد؛ تا این که کریمخان زند از نو آن را ساخت و قرآن معروف به هفده من به خط سلطان ابراهیم بن شاهرخ را در بالای آن گذاشته بودند. در سال ۱۳۱۶ ش دولت آن طاق را خراب کرد و قرآن را به موزه پارس انتقال دادند. در سال ۱۳۲۷ ش حسین ایگار، یکی از بازرگانان معروف شیراز، با بودجه شخصی، طاق فعلی را به صورت بدیع و دلپسندی از روی نقشه سابق ساخت و وصیت کرد که او را پس از مرگ در اتاق سمت چپ مشرف به دره مدفون سازند. ساختمان این طاق در ۱۳۲۸ ش به پایان رسید و تا پس از انقلاب اسلامی ایران نیز مسافران از زیر این طاق عبور می کردند، اما به دلیل حفظ و حراست از آن، اکنون محل عبور و مرور از سمت چپ آن است: شیراز در گذشته و حال، ص ۱۹۳ - ۱۹۴.

۸. شرح حال وی را نیافتیم.

کرمانی<sup>۱</sup> صاحب‌الدیوان المعروف، علی‌یمن‌الداخل الی‌البلد.

و فی‌یوم‌السبت، عاشر‌ربیع‌الثانی، من‌سنة ۱۳۵۱، خرجنا مع‌الاصحاب، عازمین‌الی‌محل‌فی‌خارج‌البلد، یشمی بـ«مسجد‌بردی»<sup>۲</sup> بفتح‌الباء‌الموحده و سکون‌الراء‌المهملة و کسر‌الذال‌المهملة و هی‌قریة‌محفوفة‌بالبساتین‌و‌الحدائق‌و‌الروضات، من‌الاماکن‌المعدّة‌لتنزه‌اهل‌شیراز، یقرب‌بعدها من‌البلد، من‌فرسخ‌عربی. فأنهینا‌الطریق‌بالسیارات، فوصلنا فی‌اثناء‌المسافة‌الی‌محل‌کان‌مقابلاً‌لقریة‌«ابی‌ورد»‌المشهورة‌التي‌خرج‌منها‌الفحول، کالمولی‌احمد‌الابوردی<sup>۳</sup>، محشّی‌شرح‌الشمسیة؛ فوردنا «مسجد‌بردی» و سئلت‌عن‌مشایخها، عن‌وجه‌التسمیة، فقال: أنّ‌البردی‌فی‌لسان‌الترک، بمعنی‌الحجر‌و‌حیث‌ان‌جماعة‌من‌الترک، ای‌طائفة «قشقائی»<sup>۴</sup> نبت‌فی‌هذه‌القریة‌مسجداً‌من‌الحجر‌و‌سمی‌ذلک‌المسجد‌بـ«المسجد‌البردی»‌ای‌الحجری، فاشتهرت‌القریة‌بهذه‌الاسم، انتهى. و‌انت‌خبیر‌بأنّ‌البردی‌لا‌یقال‌للحجر‌فی‌الترکیة، بل‌اسمه‌طاس، فلا‌بد‌من‌وجده‌ثلاثة: اما‌ان‌یقال‌أنّ‌اصله «پردی»‌بالباء‌المثلثة‌التحتانیة، او‌أنّ‌ه‌کان‌اسماً‌للحجر‌مخصوص‌فی‌ذلک‌الزمان، او‌انه‌اسم‌للحجر‌فی‌ترکی‌المغول‌و‌علی‌هذا‌یقوی‌ما‌یدعیه‌الجبیل‌القشقائی، من‌کونهم‌ذریة‌چنگیز‌خان‌المغول، لا‌من‌اهل‌آذربایجان، کما‌لا‌یحفی. فتأمل.

و‌بالجملة‌فوردنا‌القریة‌و‌کان‌فی‌مبایدها‌مقبرة‌فیها‌قبور‌اربعة؛ احدها: قبر‌الرئیس‌احمد<sup>۵</sup>، المتوفی‌سنة ۹۰۱ [ق]؛ و‌بجنبها‌قبر‌ابنه‌الخطیب‌الفاضل‌رئیس‌الدین<sup>۶</sup>، و‌کان‌هناک‌فی‌السابق‌بجنبها‌مسجد‌و‌الآن‌لا‌اثر‌له؛ و‌بتلك‌القریة‌قبر‌الشاعر‌المعروف

۱. ابوالعطا محمود بن علی بن محمود، معروف به «خاجو» یا «خواجوی کرمانی»، و ملقب به کمال‌الدین (متوفی ۷۴۲ یا ۷۵۳/۱۳۴۱ یا ۱۳۵۲ م)، شاعر پرآوازه کرمانی و صاحب‌انثاری مانند گورنامه؛ مثنوی کمال‌نامه؛ روضة الانوار؛ گل‌نوروز؛ صنایع‌الکمال؛ بدایع‌الجمال؛ همایون؛ سام‌نامه؛ رساله‌البیادیه؛ رساله‌سبع‌المثنائی؛ خمسة. وی در تنگ‌الله‌اکبر شیراز مدفون است: تذکرة الشعراء دولت‌شاه سمرقندی، ص ۲۲۹ - ۲۵۳؛ ترجمه‌مجالس‌النفائس حکیم، ص ۳۳۳ - ۳۳۴؛ بهارستان جامی، ص ۱۱۹ - ۱۲۰؛ تاریخ‌گزیده، ص ۸۱۸؛ مجمع‌الفصحاء، ۱۵/۲ - ۱۸؛ ریاض‌العارفین، ص ۷۲ - ۷۳؛ تذکرة حسینی، ص ۱۱۹؛ طرائق

الحقایق، ۲/۲۹۲؛ آثار‌عجم، ص ۴۸۲ - ۴۸۳؛ تذکرة میخانه، ص ۸۵ - ۸۹؛ تذکرة مرآة‌الخیال، ص ۴۹؛ تذکرة شاعران‌کرمان، ص ۲۲۲-۲۳۹؛ مجالس‌المؤمنین، ۱/۲۴۷؛ قاموس‌الاعلام، ۳/۲۰۶۳؛ ریحانة‌الادب، ۱/۱۰۲ - ۱۰۵؛ فرهنگ‌سخنوران، ۱/۳۱۹؛ ریاض‌الجنة‌زنوزی، روضة‌پنجم، قسم‌دوم، برگ ۸۲۷؛ الذریعة، ۱/۳۰۴ - ۳۰۵؛ شیراز‌درگذشته‌و‌حال، ص ۱۸۲ - ۱۸۸، ۲۲۶.

۲. مسجد‌بردی واقع در شش‌کیلومتری‌شیراز، که با گسترش‌شهر، اکنون در داخل‌شهر‌شیراز‌قرار‌گرفته و به نام «قصر‌الدشت» شهرت دارد: فارس‌نامه‌ناصری، ۱/۹۵، ۲۷۰، ۲۷۹، ۲۸۵، ۵۱۵، ۵۲۶، ۶۵۰ به بعد؛ ۲/۱۱۷۹، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵ به بعد؛ شیراز‌درگذشته‌و‌حال، ص ۴۰، ۴۱، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳ به بعد.

۳. ابوالحسن‌احمد‌ابوردی (ابوردی) کاشانی، معروف به «دانشمند»، ادیب، حکیم و شاعر. سال‌تولد و مرگ وی دانسته‌نیست، ولی گفته‌اند که وی معاصر شمس‌الدین‌خضری (متوفی ۹۵۷ ق) و غیاث‌الدین منصور (متوفی ۹۴۸ ق) بوده است. احمد فنائی خلخالی (متوفی ۹۸۵ ق)، از وی دانش‌آموخته است. از آثار او می‌توان حاشیه‌علی‌شرح‌الشمسیة؛ حاشیه‌علی‌شرح‌المطالع؛ حاشیه‌علی‌الکافیة‌النحویة؛ حلّ‌اشکال‌الشکل‌الخامس‌عشر من‌المقالة‌الثالثة من‌تحریر‌اقلیدس را نام برد: نامه‌دانشوران، ص ۳۰۲؛ طبقات‌اعلام‌الشیعة (قرن‌العاشر)، ص ۷ - ۸؛ الذریعة، ۶/۷۳، ۷۶، ۱۳۳، ۲۳۰؛ ۷/۶۵، ۷۳؛ ۲۳/۴۸؛ اعیان‌الشیعة، ۲/۳۲۲؛ فهرست‌القبای کتب‌خطی‌کتابخانه‌مرکزی‌آستان‌قدس‌رضوی، ص ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۲۶؛ فهرست‌نسخه‌های‌خطی‌مرعشی، شماره ۴۱۱۳.

۴. قشقای از ایلات معروف ترک‌زبان جنوب‌ایران، که به عقیده برخی از اعقاب قبیله ترک‌خلج هستند که بین هند و سیستان می‌زیستند و بعدها به عراق عجم مهاجرت کردند. از آن‌جا به فارس رفتند و زندگی چادرنشینی را شروع کردند. کلمه «قشقا» به معنای اسب پیشانی سفید است، و بعضی هم معتقدند که از نژاد مغول هستند، اما هیچ شباهتی میان آنان و مغولان وجود ندارد. قشلاق آنان محدود به رود زهره یا فهلیان در شمال و رودمند در شمال شرقی و شرق و جنوب است، و از طرف غرب تا دشتستان و برازجان ادامه دارد، و بیلاقشان در دو ناحیه حوزه‌نیریز و ناحیه اصفهان بین آباده و شهرضا است. قشقایها شیعه هستند و نزدیک به یک میلیون نفرند. ایل قشقای مشتمل بر تیره‌های متعددی است که در فارس‌نامه تعداد ۶۶ تیره آنان نام برده شده است؛ از جمله: کشکولی، شش‌بلوکی، خلج، فارسی‌مدان، صفی‌خانی، رحیمی، کزائی، بیات، دژه‌شوری و دیگر است: دائرة‌المعارف فارسی مصاحب، ۲/۲۰۵۱ - ۲۰۵۲؛ لغت‌نامه‌دهخدا، ۱۱/۱۵۵۰۸؛ قشقائی شعری شهباز شهبازی، مقدمه؛ گرایلی (داستانهای مستند از ایل قشقای)، منوچهر کیانی، مقدمه.

۵. شرح‌حال‌وی را نیافتیم.

۶. شرح‌حال‌وی را نیافتیم.

بـ «المکتبی»<sup>۱</sup>، ممدوح الخواجه حافظ و لعلّه احد القبور التي اشرنا اليها. انتهى.

و خرجنا من المقبرة، ثم دخلنا في وسط القرية مسجداً معموراً و كان على احد حيطانه لوحاً حجرياً مكتوباً عليه عبائر و المقروء؛ منها: «قد اصلح بالحجر الاتابكي حول قمته في ايام السلطان العادل، بعالي همته، لا من كاه البرية في ظل رحمته، مظفر السلطنة و الدين، ابى النصر سلطان حسن بهادر<sup>۲</sup> - خلد الله خلافته - اقل رعيته احمد، سنة ۸۷۵ [ق]». انتهى.

و سمعت عن الشيخ الاجل الشيخ محمد المحلاتي<sup>۳</sup> نجل المرحوم، الشيخ محسن اخو الميرزا ابراهيم المحلاتي و هو اليوم مرجع تلك القرية في الحلّ و العقد، انّ هذا المسجد قد بنى بامر عمر بن عبدالعزيز و عليه فما نقلناه من العبائر يراد به تعميره كما قد تستشم ذلك من لفظة «اصلح». انتهى.

ثم وردنا بستاناً من بساتين تلك القرية، يسمى «فضل آباد»، و المضيف الشيخ محمد المذكور و كنا فيه الى الغروب و في الليل اضافنا احد الاحباب في بستان آخر و بتنا فيه حتى الصباح و في غده اضافنا احد زراع تلك القرية. ثم ارتحلنا منها الى البلد و وجدت فرقاً بيناً بين اهوية تلك القرية و البلد فائتة. و من غريب ما شاهدت في القرية انه كانت هرة بيضاء و عيناها مختلفي اللون، احدها زرقاء و الاخرى صفراء فاعجبنا تلك و ان وجه ذلك بعض الاصحاب بأن الزرقاء لعلّه مصادمة. و الله اعلم. انتهى.

## منابع تحقيق

۱. آتشکده آذر، لطفعلی بیگ آذر بیگدلی، بمبئی، ۱۲۷۷ ش.
۲. آثار المعجم، فرصت شیرازی، به کوشش علی دهباشی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۳. اعیان الشیعة، محسن امین، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۴. بزرگان نامی پارس، محمد تقی میر، شیراز، ۱۳۶۸ ش.
۵. تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، تهران، ۱۳۶۲-۱۳۷۰ ش.
۶. تاریخ منتظم ناصری، اعتماد السلطنه، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۷. تذکرة هزار مزار، عیسی بن جنید شیرازی، به کوشش نورانی وصال، شیراز، ۱۳۶۴ ش.
۸. دانشمندان و سخن سرايان فارس، محمد حسین رکن زاده آدمیت، تهران، ۱۳۳۷ - ۱۳۴۰ ش.
۹. الذریعة الى تصانیف الشیعة، محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. ریحانة الادب، محمد علی مدرس تبریزی، تبریز، ۱۳۴۶ ش.
۱۱. شدّ الاراز فی حطّ الاوزار عن زوّار المزار، معین الدین ابوالقاسم جنید

۱. شیرازی، به کوشش محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۸ ش.
۱۲. شرح حال رجال ایران (در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری)، مهدی بامداد، تهران، ۱۳۵۷ ش.
۱۳. شیراز در گذشته و حال، حسن امداد، شیراز، ۱۳۳۹ ش.
۱۴. طبقات اعلام الشیعة، محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، به کوشش علی تقی منزوی، قم، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. طرائق الحقائق، محمد معصوم شیرازی (معصوم علیشاه)، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران، بی تا.
۱۶. فارسنامه ناصری، میرزا حسن فسایی، به کوشش منصور رستگار فسایی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۱۷. فرهنگ سخنوران، عبدالرسول خیامپور، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۱۸. گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، قم، ۱۳۵۳ ش.
۱۹. مجمع الفصحاء، رضا قلی خان هدایت، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۶ - ۱۳۴۰ ش.
۲۰. تذکرة مرآة الفصاحة، شیخ مفید «داور»، به کوشش محمود طاووسی، شیراز، ۱۳۷۱ ش.
۲۱. معجم المؤلفین، عمر رضا کخّاله، بیروت، ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۷ م.

۱. مکتبی شیرازی (متوفی ۹۰۰ یا ۹۱۶ ق / ۱۴۹۵ یا ۱۵۱۰ م)، ادیب و شاعر مشهور پایان قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری و از ختمه سازان عهد خود که «لیلی و مجنون» وی، به دلیل تازگیهایی که دارد، از دیرباز شهرت یافته است. وی را به علت مکتب‌داری، «مکتبی» گفته‌اند، و همان نیز تخلص او شده است. منظومه «لیلی و مجنون» وی چند بار چاپ شده است. آخرین بار به کوشش اسماعیل اشرف در ۱۳۴۳ ش انتشار یافته است. مکتبی در یکی از طاقهای مسجد بردی مدفون است: آتشکده آذر، ص ۲۹۴؛ تحفه سامی، ص ۲۳۲؛ مجالس النفائس، ترجمه حکیم، ص ۳۸۷ - ۳۸۸؛ ریاض الجنة زوزی، روضه پنجم، قسم دوم، ص ۹۲۷؛ مجمع الفصحاء هدایت، ۸۳/۴؛ تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۳۸۶/۴ - ۳۹۳؛ مرآة الفصاحة، ص ۶۰۸ - ۶۱۱؛ مقدمه لیلی و مجنون مکتبی، به کوشش اسماعیل اشرف، ۱۳۴۳ ش، شیراز؛ ریحانة الادب، ۳۷۸/۵ - ۳۷۹؛ فهرست کتابهای خطی مجلس، ابن یوسف، ص ۶۳۷ - ۶۳۸؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، ۳۱۲/۱؛ مجله آینده، سال اول، ص ۴۷ - ۵۱، ۱۱۰ - ۱۱۴ (کلمات علیه مکتبی)؛ مجله یادگار، سال دوم، شماره پنجم، ص ۵۲ - ۶۰ (مکتبی شیرازی)؛ فرهنگ سخنوران، ۸۷۲/۲.
۲. ابوالنصر امیرحسین بیگ، معروف به «اوزون حسن» (متوفی ۸۸۲ ق / ۱۴۷۷ م)، مقتدرترین و مشهورترین پادشاه از سلسله آق‌قویونلو و پسر علی بیگ ترکمان که آذربایجان، عراق، فارس، کرمان، کردستان و ارمنستان را زیر نگین خویش درآورد؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۵۰۵/۱ - ۵۰۷ (مقاله آق‌قویونلو)؛ دائرة المعارف فارسی مصاحب، ۳۰۱/۱؛ دائرة المعارف اسلام (عربی)، ۱۳۹/۳ - ۱۵۰ و منابعی که در این دائرة المعارفها معرفی شده است.
۳. شرح حال وی را نیافتیم.